



The Analysis of Translocality Knowledge Network: Introducing a New Approach to Human Geography Research

Adel Sulaimany¹ | Mohammadreza Rezvani²

1. Corresponding Author, Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: adelsulaimany@ut.ac.ir
2. Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran . E-mail: rezvani@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 01 Apr 2022

Received in revised form:
26 Apr 2022

Accepted: 02 May 2022

Available online: 30 July 2022

Keywords:

Social Network Analysis,
Knowledge Map,
Translocality,
Translocal Relations,
Co-Occurrence Map.

ABSTRACT

In recent years, the levels of spatial analysis in human geography have undergone new changes and the concept of translocal relations and studies has emerged and become increasingly popular as relationships that a settlement or a local community establishes with higher spatial levels (regional, regional, national and international). However, the analysis of the knowledge network (co-authorship and co-occurrence words) of translocality has been neglected, despite its necessity and its role in the development of rural geography research, which is examined for the first time in this study. Systematic analysis of the translocality knowledge network and its mapping can identify its sources, trends and shortcomings. In this regard, the data were collected and refined from the Scopus information database and was analyzed with algorithms based on social network analysis in VOSviewer software. The findings showed that of more than 1135 scientific documents and 1364 authors, the United States, United Kingdom and Germany had the most publications, and authors like Sakdapolrak, Steinbrink, Greiner and Sterly had the highest citations. Sakdapolrak cluster of ideas had the highest network density. Asian countries were at the bottom of the list. Co-occurrence analysis of words revealed five research clusters in translocality studies related to the connections and flows of people, capital, goods, information, technologies and innovations. Applying the knowledge network analysis approach and mapping it is recommended to achieve a holistic perspective in the field of human geography research and in the future.

Cite this article: Sulaimany, A., Rezvani, M. (2022). The Analysis of Translocality Knowledge Network: Introducing a New Approach to Human Geography Research. *Geography and Environmental Sustainability*, 12 (3), 23-40. DOI: 10.22126/GES.2022.7644.2522



© The Author(s).

DOI: 10.22126/GES.2022.7644.2522

Publisher: Razi University

تحلیل شبکه دانش فرامحلی گرایی: معرفی رویکردی نوین در پژوهش‌های جغرافیای انسانی

عادل سلیمانی^۱ | محمدرضا رضوانی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: adelsulaimany@ut.ac.ir
 ۲. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rezvani@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ دسترسی آنلاین: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ کلیدواژه‌ها: تحلیل شبکه اجتماعی، نقشه دانش، فرامحلی گرایی، روابط فرامحلی، نقشه هم‌رخدادی.	در سال‌های اخیر سطوح تحلیل‌های فضایی در جغرافیای انسانی دچار دگرگونی شده و بدیع شده و مفهوم روابط فرامحلی و مطالعات فرامحلی به مثابه روابطی که یک سکونتگاه و یا یک اجتماع محلی با سطوح فضایی بالاتر (ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) برقرار می‌کند، ظهور و رواجی روزافزون یافته است؛ این در حالی است که تحلیل شبکه دانش و شبکه هم‌نویسندگی و هم‌رخدادی واژگان آن علی‌رغم ضرورت مضاعف و نقش آن در توسعه و مدیریت پژوهش‌های حوزه جغرافیایی مغفول واقع گشته است که برای نخستین بار در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته می‌شود. تحلیل سامانمند شبکه دانش و ترسیم نقشه آن می‌تواند منبع‌ها و روندهای دانش و کمبودهای آن را مشخص کند. این موضوع با تمرکز بر فرامحلی گرایی به عنوان حوزه‌ای نوین و مهم از دانش جغرافیا انجام شده است. برای انجام این تحقیق، در آغاز، داده‌ها از پایگاه اطلاع‌رسانی اسکوپوس احصاء شدند. آن‌گاه، مرحله‌های داده‌آمایی انجام و بر پایه هدف‌های تحقیق، داده‌های نهایی با استفاده از الگوریتم‌های مبتنی بر تحلیل شبکه اجتماعی در نرم‌افزار VOSviewer ارزیابی و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان دادند که از میان بیش از ۱۱۳۵ مقاله و ۱۳۶۴ نویسنده، کشورهای آمریکا، انگلستان و آلمان بیشترین انتشارها و نویسندگانی چون سکداپولارک، استینبرینک، گرینر و لسترلی بالاترین ارجاع‌ها را داشته‌اند. خوشه فکری سکداپولارک، بیشترین تراکم شبکه را دارا بود. کشورهای آسیایی در پایان فهرست بودند. تحلیل هم‌رخدادی واژگان، با رویکرد اکتشافی پنج خوشه پژوهشی در مطالعات فرامحلی گرایی مرتبط با پیوندها و جریان‌های افراد، سرمایه‌ها، کالاها، اطلاعات، فناوری‌ها و نوآوری‌ها را آشکار ساخت. کاربست رویکرد تحلیل شبکه دانش و ترسیم نقشه آن برای دستیابی به یک دیدگاه کل‌نگر در مسیر پژوهش‌های جغرافیای انسانی در آینده توصیه می‌شود.

استناد: سلیمانی، عادل؛ رضوانی، محمدرضا (۱۴۰۱). تحلیل شبکه دانش فرامحلی گرایی: معرفی رویکردی نوین در پژوهش‌های جغرافیای انسانی. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۲ (۳)، ۲۳-۴۰. DOI: 10.22126/GES.2022.7644.2522



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

مقدمه

پرداختن هم‌افزا به مقولاتی هم‌پیوند، همچون نحوه استقرار، مکان، کنش متقابل انسان - محیط، حرکت و منطقه، ویژگی خاص موضوعی دانش جغرافیا را رقم زده است (سعیدی، ۱۳۹۶). از آن جا که «فضای جغرافیایی» درون‌مایه بنیادین دانش جغرافیاست، چون‌وچرا درباره چپستی آن، جستاری است که همواره ضرورت دارد. با نگرستن به «فضا» از چشم‌انداز «هستن در جهان»^۱ هایدگری^۲، می‌توان از یک فضا اندیشی فلسفی دیگری، با نام فضا اندیشی «زیست جهان»^۳ ی نام برد و آن را جغرافیایی‌ترین گونه فضا اندیشی دانست؛ تا جایی که در پاسخ به «فضای جغرافیایی چیست؟» این‌گونه می‌توان گفت: «فضای جغرافیایی»، یعنی همان «هستن در جهان» (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴).

از طرفی بازاندیشی، پویایی، تفکر و خلاقیت از ضرورت‌های مطالعات فضاهای جغرافیایی بوده و روش‌های نوین مطالعات فضاهای جغرافیایی باهدف شفاف‌سازی زوایای پنهان در برنامه‌ریزی توسعه در حال گسترش و بالندگی است. تحلیل فضایی با لحاظ دیدگاه‌های غالب در همگونی، فشردگی و برابری درونی و تمایز برون ناحیه امکان‌پذیر می‌شود (آذرباد، ۱۳۹۲). در این میان الگوی توزیع فعالیت‌ها و جریان‌های فضایی مانند حرکت جمعیت، کالا، خدمات و سرمایه که سطح توسعه مراکز سکونتگاهی، اعم از شهر، روستا و مجاری ارتباطی آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد همواره در مقیاس خاصی مدنظر قرار گرفته است این در حالی است که نحوه آرایش فضایی فعالیت‌ها، تعیین‌کننده اصلی حرکت جمعیت، سرمایه، کالا و خدمات است که در نهایت توسعه ناحیه، گره‌های شهری و روستایی و شبکه ارتباطی آنها را متأثر می‌سازد و کیفیت توسعه منطقه‌ای را معین می‌کند (افراخته، ۱۳۹۱).

به‌زعم آن که سطوح بررسی آرایش فضایی فعالیت‌ها در اکثر موارد محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی بوده لذا به‌تناسب، حلقه مفقوده مطالعات فضاهای جغرافیایی را می‌توان در سطح فرامحلی جستجو نمود. فرامحلی‌گرایی شامل روابطی است که یک سکونتگاه و یا یک اجتماع محلی با سطوح فضایی بالاتر (ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) در حوزه‌های مختلف برقرار می‌کند. انگیزه و دلایل این روابط می‌تواند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی یا ترکیبی از آنها باشد. سرمایه‌های اجتماعی، انسانی، فیزیکی، طبیعی، مالی در قالب جریان‌ها و پیوندهای فضایی - مکانی بر فرامحلی‌گرایی اثر می‌گذارند که شدت و جهت این روابط می‌تواند آثار و پیامدهای خاصی بر توسعه نواحی روستایی داشته باشد.

شبکه‌ای از کنش‌گرها یا بازیگران اصلی در فضاهای جغرافیایی تلاش می‌کنند تا روابط میان‌مقیاس‌های مختلف را بازسازی کنند و مقیاس‌های عملکردی جدیدی را تعریف کنند یا به وجود آورند که می‌تواند ذیل روابط فرامحلی متجلی گردد چرا که با وجود تحلیل‌ها و نظرات عمیق سلسله‌مراتبی چنین استنباط می‌شود که جهان دارای مقیاس غیرمرتبط یا موازی نیز هست.

فنی (۱۳۹۲) به نقل از Frideman (2005) معتقد است که نویسندگان زیادی در مورد مسطح و موازی بودن روابط در جهان، نوشته و تحلیل کرده‌اند که به دلیل پیشرفت‌های فناورانه، تعامل و ارتباطات سریع و آسان بین مکان‌ها با دورترین فواصل، جهان در حال مسطح شدن و یکدست شدن بیشتر است. در واقع مفهوم «فرامحلی‌گرایی» در پرداختن به «نظام فضایی» نوعی «سنتز» برآمده از سطوح محلی، ملی و فرامحلی است که خود دیگر نه «محلی» است و نه «ملی» و نه «فرامحلی»؛ بنابراین، درک «نظام فضایی» به‌مثابه جوهره «روابط فرامحلی» مستلزم نوعی اندیشه ارتباطی، شبکه‌ای، ترکیب‌پذیر و یکپارچه است که البته، ذهن مجردگرای تجزیه‌نگر قادر به درک آن و چنین نظامی پیچیده نخواهد بود؛ لذا می‌توان گفت روابط فرامحلی بر نظامی پیچیده و شبکه‌ای استوار است که هرچند از اجزایی مرتبط تشکیل یافته، اما در چارچوبی یکپارچه و درهم‌تنیده، فراتر از تک‌تک اجزای خود عمل می‌کند؛ بنابراین، تجزیه ساده آن به اجزای خود، از جمله

1- biegin-the-word

۲- از آنجا که فضای جغرافیایی همه گستره‌های فضای پیچیده زیستن آدمیان را دربر می‌گیرد، لذا بهره‌گیری از بنیان‌های فلسفه پدیدارشناسی هرمنوتیک (اندیشه‌های هایدگر) می‌تواند در روشن‌شدن هرچه بیشتر چپستی و پیچیدگی‌های فضای جغرافیایی و دازاین‌ها (Dasien) کارا افتد.

انسان، ارتباط، فضا، ساختار، کارکرد، فعالیت، گره و مانند آن، مانع از درک نظام‌وار آن خواهد بود و به‌زعم سعیدی (۱۳۹۷) برای، آنان که چنین نگرشی تجزیه‌نگر دارند، درختان مانع رؤیت جنگل خواهد شد. واژه کلیدی «فرامحلی»^۱ در میان محققان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف نظیر جغرافیا (Brickell & Datta, 2011b; Castree, 2004; Conradson & McKay, 2007; Featherstone, 2011; Steinbrink, 2009: 414; Verne, 2012: 17)، در برخی موارد، واژه «فرامحلی» (یا فرامحلی گرایی) در نگاهی تقلیلی و ناقص مترادف و هم معنی فراملی گرایی^۲ به کار برده می‌شود. این اصطلاح معمولاً پدیده‌هایی را توصیف می‌کند که شامل تحرک، مهاجرت، گردش و به‌هم‌پیوستگی فضایی است که لزوماً محدود به حوزه‌های محلی یا مرزهای ملی نیست. دو بعد مرکزی این مفهوم تحرک و مکان است که با ساخت و بازساختن پیوسته روابط فضایی، ذیل فرایندهای بازقلمروآگاهی^۳، نشانه‌گذاری و کارکرد مرزها را تغییر می‌دهند و عرصه‌های جدیدی ایجاد می‌کنند. برای نمونه دگردیسی طبیف جابه‌جایی‌های دائم به موقت جمعیت در گستره جغرافیایی سیال باهدف کار، یکی از مهم‌ترین و مشهودترین شکل‌های اختلاط و یکپارچگی میان نواحی روستایی و نقاط شهری است که به‌عنوان پدیده فضایی نوظهور در بیشتر کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته مشاهده می‌شود (منصوریان و همکاران، ۱۳۹۶).

در این میان حجم اطاعات و دانش تولید شده جهانی در حوزه روابط فرامحلی نیازمند انسجام، سازماندهی، تامل و بررسی است چرا که به‌زعم باب‌الحوایجی و همکاران (۱۳۹۳)، اطلاعات ماهیتی «هرج‌ومرج‌طلب»^۴ دارد. اطلاعات نمی‌تواند خودش را سازماندهی کند بلکه گرایش به نظم‌ی دارد. چنانچه اطلاعات به شیوه‌ای خاص سازماندهی نشود، به‌طور سریعی به «هرج‌ومرج» گرایش پیدا خواهد شد لذا این حوزه به‌صورت جدی نیازمند بررسی سامانمند و ساختاریافته است. یکی از روش‌های سازماندهی و مطالعات فرامحلی، ترسیم نقشه دانش با رویکرد تحلیل شبکه نویسندگان و هم‌رخدایی‌ها^۵ است و کمترین دستاورد آن شفاف نمودن زیست‌بوم پیچیده و در هم تنیده پژوهش‌ها برای نویسندگان جدید و توانمندسازی محققان در ابعاد مختلف است؛ لذا هدف کلی پژوهش حاضر تحلیل شبکه دانش فرامحلی گرایی، به‌مثابه گزیداری نوین برای مدیریت پژوهش‌های حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است.

اساس مفهوم روابط فرامحلی، دیدگاهی جامع در مورد تحرک‌ها، جابه‌جایی‌ها و جریان‌ها ارائه می‌دهد. این مفهوم رویکردی است که در آن این پویایی‌ها، ارتباط بین مقیاس‌های مختلف را ایجاد می‌کند. غالب مطالعات اولیه، جابه‌جایی‌های مردم و جریان افراد را مدنظر داشتند اما این قضیه به مهاجرت فراملی محدود نمی‌شود، بلکه اشکال مختلف مهاجرت داخلی و همچنین رفت‌وآمد و جابه‌جایی‌های روزمره در داخل شهرها و بین مناطق روستایی و شهری را نیز در بر می‌گیرد (Sakdapolrak et al., 2016; Hedberg & do Carmo, 2012). با این وجود، بسیاری از نویسندگان، تنها به جابه‌جایی مطلق بازیگران یا مردم توجه نداشته، بلکه به بخش‌هایی از جمعیت که فاقد تحرک پنداشته می‌شوند نیز توجه می‌کردند چرا که آنان بعد مهمی از تعامل و ارتباطات را تشکیل می‌دهند (Brickell & Datta 2011a; Rau, 2012). چنین دیدگاهی تداعی‌گر آن است که فضاهای فرامحلی دائماً توسط جمعیت‌های متحرک و غیر متحرک تولید می‌شوند. به‌زعم Conradson & McKay (۲۰۰۷) به دلیل انتزاعی و ذهنی بودن مفهوم فرامحلی، بحث در مورد حضور هم‌زمان و فیزیکی بازیگران چندگانه در تعاملات و ارتباطات به‌مثابه هسته مرکزی این مفهوم، اغلب دشوار است. اگرچه جابه‌جایی افراد در بسیاری از مطالعات دغدغه اصلی است، اما جابه‌جایی مردم تنها یکی از جنبه‌های سازه فرامحلی است. این مفهوم همچنین به جریان‌های مادی مانند حواله‌های پولی (Long, 2008) و کالاها (Verne, 2012: 17) و جریان‌های نمادین مانند سبک‌های جابه‌جایی‌ها، ایده‌ها، تصاویر و نمادها اشاره دارد (Lange & Büttner 2010; Ma 2002; Reetz 2010). یکی از جنبه‌های این بعد اخیر در فرامحلی گرایی، تجسم و تصور پیوندهای بین مکان‌ها است که Brickell & Datta

1. Translocality
2. Transnationalism
3. Reterritorialization
4. Entropic

(۲۰۱۱ ب) از آن به «تصور با انگاشت فرامحلی» یاد می‌کنند. برای درک این ارتباطات، شبکه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، زیرا تحلیل شبکه‌ها، جریان‌های مکرر دانش و ارتباطات سیاسی، فرهنگی و فعالیت‌های اقتصادی میان مکان‌ها را تسهیل و تبیین می‌کنند (Hedberg & do Carmo, 2012). درعین حال جایگاه و موقعیت بازیگران در این شبکه‌ها، به نوبه خود، بر دسترسی آنان به منابع مختلف تأثیر می‌گذارد (Zoomers & Westen, 2011).

به‌طور کلی از مفهوم فرامحلی برای ترسیم تعاملات اجتماعی - فضایی پیچیده در یک درک جامع، بازیگر محور و چندبعدی استفاده می‌کنند. ایده اصلی جابه‌جایی به‌درستی توسط Brickell & Datta (۲۰۱۱ الف) به‌عنوان «موقعیت در حین تحرک» ارائه شده است. Brickell & Datta (۲۰۱۱ الف) با اشاره به پژوهش Doreen Massey's روی «هندسه‌های قدرت»^۱، مکان‌های فرامحلی را «لحظه‌های بیان شده در شبکه‌های روابط اجتماعی» تصور می‌کنند (Massey, 1999: 22). دیدگاه فرامحلی به طور هم‌زمان بر «آنچه در مکان‌ها جریان دارد» و «آنچه در آن‌ها است» تمرکز می‌کند. نویسندگانی که درگیر بسط یک دیدگاه فرامحلی هستند به دنبال ادغام مفاهیم سیالیت و ناپیوستگی مرتبط با تحرک‌ها، حرکات و جریان‌ها از یک سو با مفاهیم ثابت بودن، زمینی بودن و موقعیت در اهداف خاص از سوی دیگر هستند و این مهم را در پژوهش‌های متنوع خود ذیل چتر فرامحلی‌گرایی متجلی نموده‌اند (Sakdapolrak et al., 2016; Greiner & Sakdapolrak, 2016; Porst & Sakdapolrak, 2018; Rockenbach et al., 2019).

در نهایت می‌توان گفت ماهیت رابطه‌ای مکان به‌مثابه عنصری پویا (غیرایستا) و از طریق پیوندهایی با «بیرون» (که محدود نشده) ایجاد می‌شود و این تعاملات در درک روابط فرامحلی بسیار مهم تلقی می‌گردد. چرا که تغییر روابط زمان و مکان منشأ ظهور زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی شده است که خود در چرخه‌ای مستمر، دگرگونی زمان و مکان را تشدید می‌کنند. به گونه‌ای که جامعه نسبتاً محلی و بسته گذشته، تبدیل به یک جامعه فرامحلی شده و به نسبت تمام ادوار گذشته، با سرعت و سهولت بیشتری با جوامع دور رابطه برقرار کرده و در بسیاری از عرصه‌ها منشأ دور شدن نزدیک و نزدیک شدن دور شده است.

مواد و روش‌ها

یکی از اقدامات اجتناب‌ناپذیر در هر پژوهشی بررسی اسناد و پیشینه‌های موجود یا مرور ادبیات موضوع است. برای شناسایی و مطالعه روند دگرگونی‌های هر موضوع علمی، می‌توان از داده‌های علم‌سنجی استفاده کرد. در علم‌سنجی بر اساس روش تجزیه و تحلیل هم‌رخدادی^۲ واژگان و هم‌نویسندگی^۳ اسناد علمی می‌توان موضوعات علمی داغ و شبکه نویسندگان را استخراج و ارتباط میان آنها را با تحلیل شبکه کشف کرد.

در این پژوهش، از نقشه‌های دانشی، به‌عنوان یکی از شیوه‌های کارآمد برای نمایش بهینه و موجود وضعیت علم، برای بررسی زیست‌بوم پژوهش‌های فرامحلی‌گرایی استفاده شد. نقشه دانشی قادر است منابع و مسیر جریان دانش و محدودیت‌ها و کمبودهای آن را مشخص کند؛ و با تعیین حوزه‌های اصلی، اطلاعات لازم درمورد هر زیر حوزه را در اختیار مدیران پژوهش قرار دهد (علیپور حافظی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از بهترین پایگاه‌های داده‌ها برای انجام چنین تحقیقاتی پایگاه اطلاع‌رسانی اسکوپوس است که جامع‌ترین مجموعه پژوهش‌های علمی را نمایه می‌کند و پوشش بیشتر و دقیق‌تری از سایر پایگاه‌ها ارائه می‌دهد (Falagas et al., 2008).

این پژوهش از نظر نوع کاربردی بوده که از رویکرد علم‌سنجی جهت بررسی اسناد علمی بهره گرفته است. پژوهش حاضر از نوع علم‌سنجی است و به لحاظ استفاده از روش‌های اکتشافی فاقد فرضیه است (نویدی و همکاران، ۱۳۹۶؛ علیپور حافظی و همکاران، ۱۳۹۶). در این تحقیق، از روش تحلیل شبکه اجتماعی با رویکرد اکتشافی جهت تبیین و تحلیل هم‌واژگانی و هم‌نویسندگی پژوهش‌های مرتبط در کل شبکه استفاده شده است. بدین گونه که در ابتدا، به روش تمام شماری، فراداده‌های کلیه اسناد علمی (شامل مقاله‌ها و کتاب‌ها) مرتبط با حوزه فرامحلی‌گرایی به زبان انگلیسی درج شده در عنوان، چکیده و

1- Power Geometries

2- Co-occurrence

3- Co-authorship

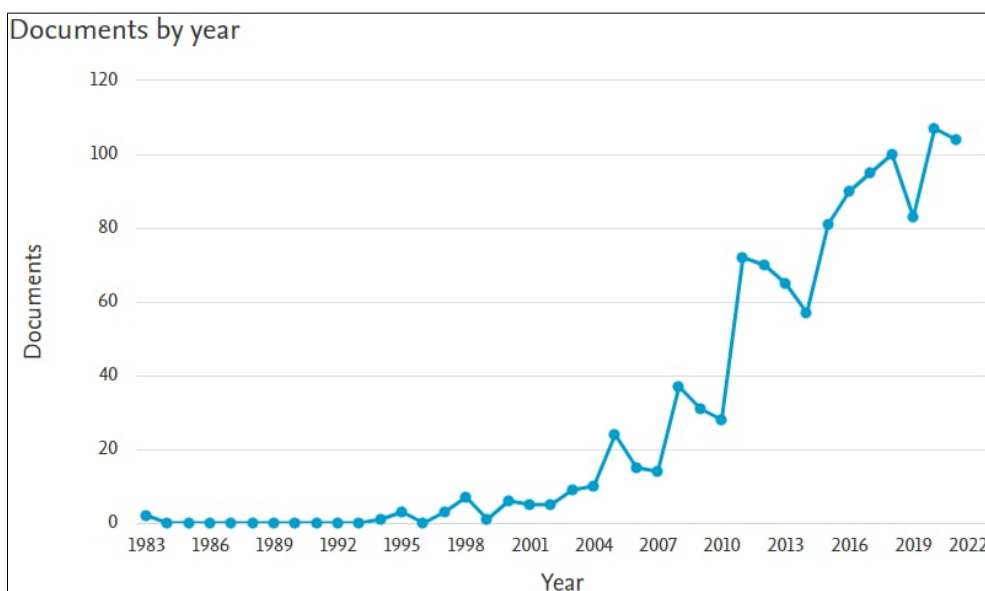
کلیدواژه‌های پایگاه اسکوپوس از سال ۱۹۸۳ میلادی تا پایان مارس ۲۰۲۲ میلادی، طی چند مرحله احصا گردید و واژه‌های غیرمرتبط حذف و پالایش شد. آنگاه، مرحله‌های داده‌آمایی بر اساس راهنمای نرم‌افزار VOSviewer_1.6.18 انجام و بر پایه هدف‌های تحقیق داده‌های نهایی با استفاده از الگوریتم‌های مبتنی بر علم تحلیل شبکه اجتماعی تجزیه و تحلیل شد.

نرم‌افزار مذکور مزایایی ارزشمندی در پردازش داده‌های بزرگ و ترسیم بصری شبکه آن‌ها دارد و نتایج حاصل از آن می‌تواند نقاط داغ و موضوعات موجود در حوزه تحقیق را با شفافیت و وضوح بیشتری در دنیای انتزاعی و گسترده واژگان و نویسندگان نشان دهد (Donthu et al., 2020). نرم‌افزار VOSviewer برنامه‌ای کاربردی مبتنی بر تحلیل شبکه است که برای ترسیم شبکه‌های علمی و مطالعات مبتنی بر علم‌سنجی قابل استفاده می‌باشد، این نرم‌افزار توسط نیس جان واک و لیودو والتمن طراحی شده است، استفاده از این نرم‌افزار در پژوهش‌هایی که مبتنی بر ادبیات پژوهش و پیشینه پژوهشی هستند کاربرد بسیاری دارند. (Van Eck & Waltman, 2018). برای گردآوری داده‌ها از پایگاه اسکوپوس، از معادل انگلیسی واژه کلیدی یعنی فرامحلی گرایی استفاده شد.

نتایج

پراکنش اسناد علمی مرتبط با فرامحلی گرایی: از آغاز تاکنون

مرور و تامل بر منابع‌های مرتبط، مؤید افزایش چشمگیر توجه به موضوع روابط فرامحلی در مطالعات جغرافیای انسانی است. همان گونه که در شکل ۱ دیده می‌شود؛ داده‌های تحقیق تأیید می‌کنند که نشر سندهای علمی مرتبط با موضوع فرامحلی گرایی به‌صورت فزاینده‌ای در حال گسترش است. جستجوی فرامحلی گرایی (Translocality) تنها در پایگاه اسکوپوس نشان داد که تاکنون ۱۱۳۵ سند علمی در این موضوع منتشر و نمایه شده است. این میزان از منابع گویای رشد کمی و گسترش سریع پژوهش‌های حوزه روابط فرامحلی، به‌ویژه در هزاره جدید می‌باشد. شکل زیر روند نشر اسناد مرتبط به فرامحلی گرایی را طی حدود نیم سده گذشته نشان می‌دهد.



شکل ۱. روند نشر اسناد علمی مرتبط با فرامحلی گرایی از سال ۱۹۸۳ تاکنون، (اسکوپوس، ۲۰۲۲)

نشر مقاله‌های مرتبط با پژوهش‌های فرامحلی گرایی از ابتدای هزاره سوم از نظر شمار، رشد بسیار بالایی را نشان می‌دهد. این شکل نشان می‌دهد که مبحث روابط فرامحلی از ابتدای هزاره به پژوهش‌های جغرافیای انسانی اضافه شده است. به‌عبارت دیگر، دانشمندان علوم جغرافیایی به مطالعه بررسی روابط فرامحلی در جوامع محلی علاقه‌مند شده‌اند. حجم بالای دانش تولیدشده در شکل فوق نیز موید یکی از مهم‌ترین کاستی‌های مطالعات جغرافیای انسانی کشور است. با وجود تولید بالای دانش در این زمینه و اهمیت بررسی جریان‌های افراد، کالاها، اطلاعات، فناوری‌ها و نوآوری‌ها به‌ویژه

در حوزه توسعه پایدار منطقه‌ای با رویکرد فرامحلی (Rockenbach et al., 2019)، به نظر می‌رسد محققان جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، ترویج و کاربست یافته‌های دانش فرامحلی‌گرایی را در تحلیل‌ها و مطالعات حوزه برنامه‌ریزی فضایی هدف‌گذاری نکرده‌اند. البته افتی ناچیزی که در پایان شکل بعد از سال ۲۰۲۲ دیده می‌شود ناشی از گردآوری اطلاعات بوده؛ و نشان می‌دهد که بانک‌های اطلاعاتی همچنان در حال تکمیل مرحله‌های نمایه نویسی هستند. به‌طور کلی روند رشد اسناد علمی مرتبط با فرامحلی‌گرایی در بازه زمانی چهل سال اخیر، سه مرحله تحقیقات اولیه (۲۰۰۲-۱۹۸۳)، توسعه سریع (۲۰۱۱-۲۰۰۳) و یک مرحله نسبتاً پایدار (۲۰۲۲-۲۰۱۲) را تجربه نموده است (شکل ۱).

در مرحله تحقیقات اولیه، مطالعات پژوهشی محدود و همکاری‌ها اندک و موضوع تحقیق نسبتاً محدود بود به‌گونه‌ای که واژه فرامحلی تنها در پژوهش‌های علوم سیاسی بین‌الملل ظهور یافت در ادامه، زیست‌بوم پژوهش‌های فرامحلی با مطالعات اشتاینبرینک دگرگون و پررونق شد و به شکل‌گیری مرحله توسعه سریع کمک نمود، به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۲ پژوهش‌های سکداپولارک در دانشگاه بن آلمان و بعدها در دانشگاه وین اتریش، پایداری نسبتاً خاصی را به این حوزه بخشید؛ لذا می‌توان گفت جهت‌گیری مطالعات فرامحلی‌گرایی از علوم سیاسی به علوم اجتماعی تغییر یافت و سپس به پژوهش‌های جغرافیای انسانی وارد شد، در علم جغرافیا نیز مفهوم روابط فرامحلی ابتدا در زمینه مطالعه انواع مهاجرت‌ها ظاهر شد سپس به حوزه معیشت و تاب‌آوری فرامحلی تعمیم داده شد و اخیراً به حوزه توسعه فرامحلی ورود پیدا نموده است، هرچند روند تقسیم‌بندی فوق‌الذکر پویا و دینامیک بوده و مرزهای مطالعاتی مدام در حال رشد و بازنگری و هم‌پیوندی^۱ مداوم و متنوع است.

نگاشت نقشه هم‌رخدادی واژگان کلیدی پژوهش‌های فرامحلی‌گرایی

ترسیم نقشه واژگان کلیدی برگرفته از عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مندرج در همه اسناد علمی (به زبان انگلیسی) نمایه شده در پایگاه اسکوپوس در شکل ۲ نشان داده شده است. در آغاز از میان حدود ۳۸۴۶ واژه استفاده شده در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقاله‌ها و سایر اسناد علمی معتبر و بر مبنای شمارش کامل واژگانی که بیش از ۶۹ بار تکرار شده باشند؛ و پس از حذف واژگان نامربوط حدود ۵۲ کلمه برتر شناسایی شدند. شکل ۲ نتیجه ترسیم رابطه‌های این واژگان در پژوهش‌های یادشده است. گره بزرگ در وسط نماینده واژه کلیدی فرامحلی‌گرایی است و در فاصله نزدیک گره‌های بزرگ دیگری با تحت عنوان واژه جابه‌جایی، مهاجرت قرار دارد هرچند در شبکه ارائه شده تعامل واژه فرامحلی‌گرایی با گره‌های بزرگ دیگری تحت عنوان فرامحلی و فرامحلی‌گرایی را نیز باید مدنظر داشت. رنگ‌ها این حقیقت را نمایش می‌دهند که برای نمونه فرامحلی‌گرایی در شبکه‌ای با دیگر کلمات رنگ‌های سبز، قرمز، بنفش، آبی و زرد در ارتباط بوده و مورد توجه و بررسی واقع شده است. درعین حال ارتباط مستقیم فرامحلی‌گرایی با واژگان مهاجرت، جابه‌جایی، فرامحلی، جهانی‌شدن، فرامحلی‌گرایی، محلی‌گرایی، نواحی روستایی، نواحی شهری و مانند آن با همدیگر مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. جدول ۱ خروجی تحلیل شبکه هم‌رخدادی واژگان کلیدی را با رویکرد اکتشافی در قالب خوشه‌های احصاء شده با محوریت روابط فرامحلی نشان می‌دهد.

جدول ۱. خوشه‌بندی واژگان کلیدی مرتبط با روابط فرامحلی

خوشه ۱	خوشه ۲	خوشه ۳	خوشه ۴	خوشه ۵
۱۸ واژه	۱۵ واژه	۱۳ واژه	۳ واژه	۳ واژه
Cosmopolitanism	ethnography	Belonging	Human	Mobility
Culture	gender	citizenship	Humans	Translocality
Empirical analysis	immigrant	cultural identity	social change	translocation
Globalization	internal migration	diaspora		
Globalization	international migration	ethnic group		

ادامهٔ جدول ۱.

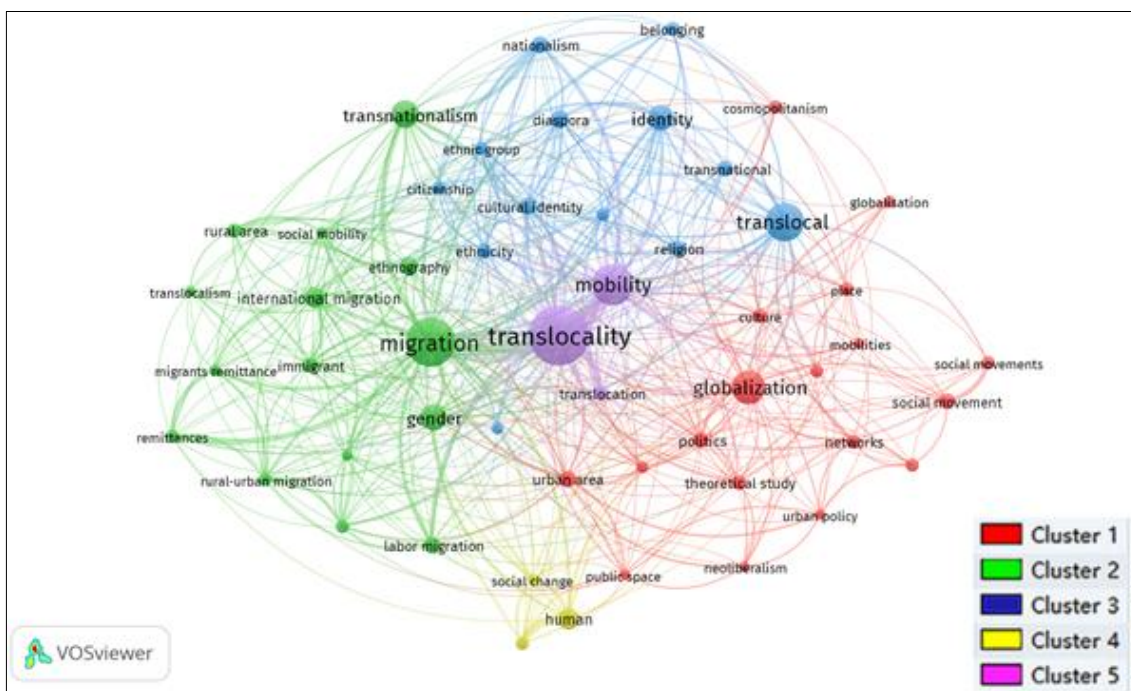
خوشه ۱	خوشه ۲	خوشه ۳	خوشه ۴	خوشه ۵	
Governance	حکمرانی	labor migration	مهاجرت نیروی کار	ethnicity	قومیت
Approach Mobilities	رهیافت تحرکات	migrant worker	کارگر مهاجر	identity	هویت
Neoliberalism	نئولیبرالیسم	migrants remittance	حواله مهاجران	nationalism	ناسیونالیسم
networks	شبکه ها	migration	مهاجرت	population migration	مهاجرت جمعیت
place	مکان	remittances	حواله‌ها	religion	دین
politics	سیاست	rural area	نواحی روستایی	translocal	فرامحلی
public space	فضای عمومی	rural-urban migration	مهاجرت روستا به شهر	transnational	فراملی
social movement	حرکت اجتماعی	social mobility	تحرک اجتماعی	urbanization	شهرنشینی
social movements	جنبش‌های اجتماعی	translocalism	فرامحلی گرایی		
space	فضا	transnationalism	فراملی گرایی		
theoretical study	مطالعه نظری				
urban area	ناحیه شهری				
urban policy	سیاست شهری				

بنابراین می‌توان گفت پژوهش‌های مرتبط با فرامحلی گرایی در پنج خوشه متفاوت و متمرکز بر واژگان کلیدی خاص انجام شده است. خوشه اول شامل ۱۸ واژه مانند جهان شهرگرایی، جهانی سازی، رویکرد حکمرانی، نئولیبرالیسم، جابه جایی‌ها، شبکه‌ها، فضای عمومی، نواحی و سیاست‌های شهری و ... است در این خوشه جریان سرمایه و اطلاعات، گره جهانی شدن را برجسته نموده است. خوشه دوم نیز با ۱۵ واژه شامل نواحی روستایی، قوم‌نگاری، مهاجرت درون و بین‌المللی، جنسیت، وجوه ارسالی مهاجران، کارگر مهاجر، مهاجرت شهری - روستایی، جابه جایی اجتماعی، جنسیت و ... را در برمی گیرد.

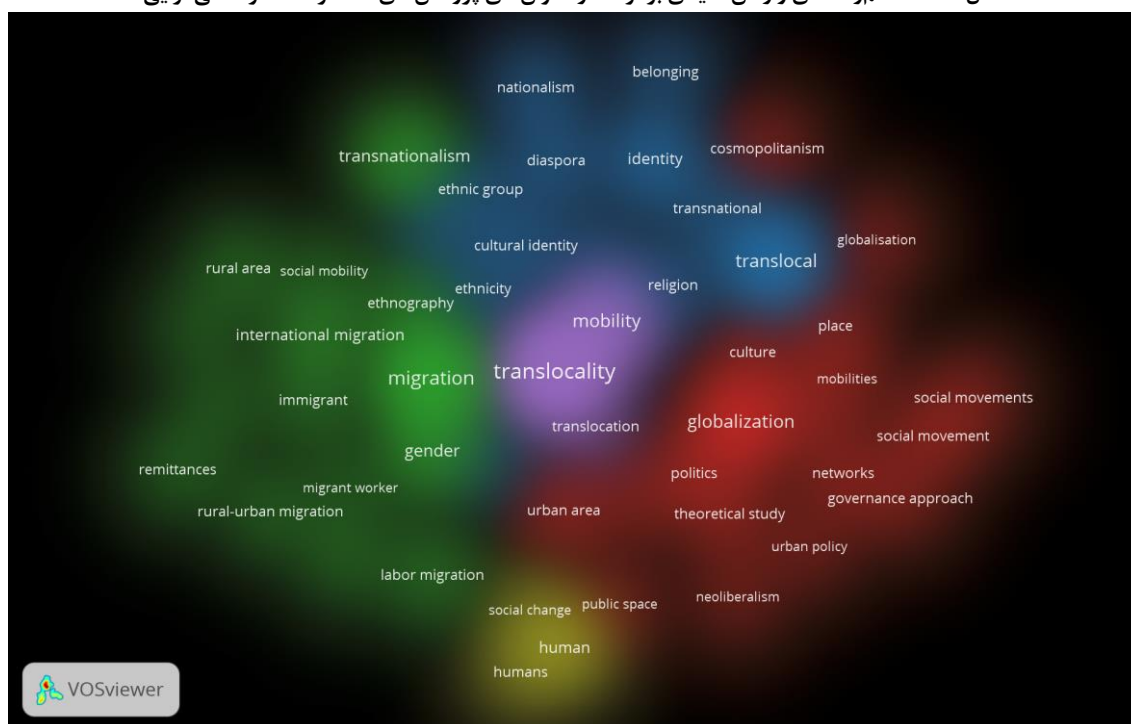
در این خوشه حجم مطالعات و جریان افراد، موجب بزرگ شدن گره مطالعات حوزه مهاجرت شده است؛ خوشه سوم نیز ۱۳ واژه شامل تعلق، پراکندگی، گروه قومی، هویت فرهنگی، ملی گرایی، مذهب، هویت و ... را شامل شده است در این خوشه پیوندهای فرهنگی و قومی، روابط فرامحلی را تحت الشعاع قرار داده است؛ در خوشه چهارم، ۳ واژه انسان، تغییر اجتماعی و انسان‌ها مطرح شده، لذا می‌توان گفت مطالعات حوزه تغییر اجتماعی با فضای زیست انسانی پیوند یافته که می‌تواند متأثر از جریان فناوری‌ها و نوآوری باشد. در نهایت خوشه پنجم هم ۳ واژه فرامحلی گرایی، جابه جایی و تحرک را دربر گرفته است که هسته مرکزی شبکه به شمار می‌رود. یافته‌های شکل ۲ آشکار ساخت که پژوهشگران علوم جغرافیایی و محیطی کشور به طور خاص لازم است باتوجه به ضرورت اتخاذ دیدگاه جامع و مانع در پژوهش‌های حوزه برنامه ریزی و اهمیت آن در توسعه پایدار و متوان منطقه‌ای در موضوع فرامحلی گرایی بسیار فعال وارد شوند. هم از این جهت که در این حوزه دانش ارزشمند و با حجم بالایی تولید شده که نیازمند ترویج و اشاعه است؛ و هم از این جهت که بتوانند از این مفهوم به طور شایسته‌ای در برنامه ریزی فضایی و توسعه این بخش بهره بگیرند.

برای تبیین بصری و مؤثرتر موضوعات تحقیق در این زمینه، از گزینه نقشه چگالی خوشه‌ای منحصربه فرد در نرم افزار مربوطه استفاده شد چرا که این گزینه برای تجسم کلمه کلیدی نتایج خوشه بندی هم زمان کاربرد دارد (شکل ۳). در نقشه چگالی خوشه‌ای، چگالی یک عنصر به تعداد و وزن عناصر اطراف آن بستگی دارد. هرچه فراوانی هم زمانی کلمات کلیدی افزایش یابد موضوعات تحقیقاتی داغ تری در حوزه فرامحلی گرایی پیوند و ظهور می باید. در شکل زیر پنج خوشه چگال و

متراکم پژوهشی مرتبط با فرامحلی‌گرایی آشکار گشته که مرور واژگان کلیدی هسته آن یعنی فرامحلی‌گرایی، روابط فرامحلی، جهانی‌سازی، مهاجرت، جابه‌جایی، فرامحلی‌گرایی، نواحی شهری و روستایی و... می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای پژوهش‌های آتی باشد.



شکل ۲. نقشه هم‌رخدادی واژگان کلیدی برگرفته از عنوان‌های پژوهش‌های منتشر شده فرامحلی‌گرایی

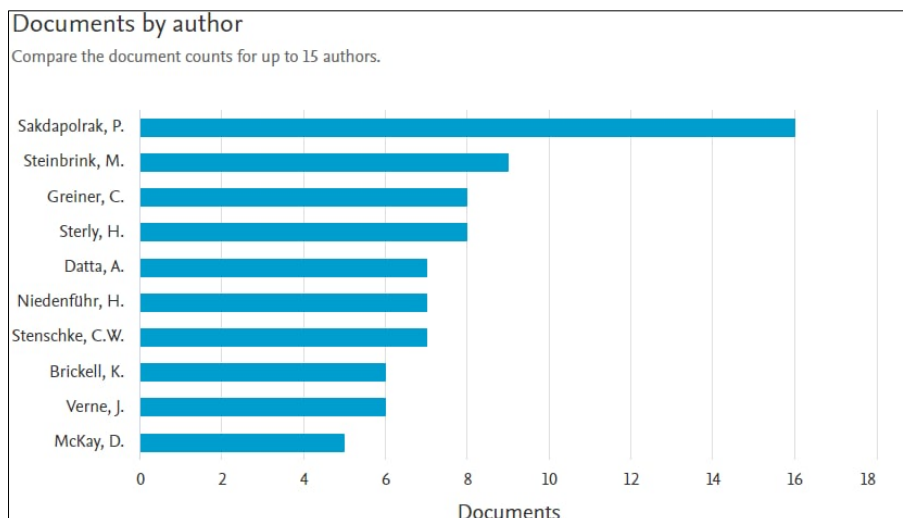


شکل ۳. نقشه چگالی خوشه ای واژگان کلیدی پژوهش‌های منتشر شده فرامحلی‌گرایی

پژوهشگران برتر حوزه فرامحلی‌گرایی

شواهد موجود نشان می‌دهد که بررسی‌ها در کشورهای مختلف جهان توسط اندیشمندان و پژوهشگران مختلف مورد توجه

بوده است. در شکل ۴ شمار سندهای علمی منتشر شده توسط ۱۰ محقق برجسته به صورت مقایسه‌ای نشان داده شده است. همان گونه که دیده می‌شود از نظر شمار، مقاله‌های سکداپولارک^۱ و اشتاینبرینک^۲ به ترتیب بیشترین انتشارات علمی در موضوع فرامحلی‌گرایی بوده؛ و گرینر^۳ و استرلی^۴ به صورت مشترک در جایگاه سوم قرار دارند. باتوجه به این شکل بهتر است پژوهشگران حوزه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی فضایی در مطالعات مرتبط با روابط فرامحلی به نوشته‌های نویسندگان برتر این حوزه مراجعه کند؛ چراکه در تعریف و تبیین سازه فرامحلی‌گرایی تنوع مفهومی و موضوعی وجود دارد و این ابهام و پراکندگی ممکن است باعث اتلاف وقت پژوهشگران شود.



شکل ۴. پراکنش پژوهشگران برتر حوزه فرامحلی‌گرایی بر پایه شمار اثر، (اسکوپوس، ۲۰۲۲)

مرکزهای عمده پژوهشگری فعال در حوزه فرامحلی‌گرایی

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و مراکزهای علمی و پژوهشی اروپایی و آمریکایی اهمیت و توجه بیشتری در زمینه فعالیت‌های پژوهشی مرتبط با فرامحلی‌گرایی داشته‌اند؛ و کشورهای آسیایی و به ویژه خاورمیانه بی‌توجه بوده، و یا توجه اندکی به این موضوع داشته‌اند (شکل ۵). در این رابطه، دانشگاه‌های بن و کلن در کشور آلمان با اختلاف بالا بیشترین اسناد علمی (۴۱ مقاله) در موضوع فرامحلی‌گرایی را در پایگاه اسکوپوس به چاپ رسانده است، این پویش را می‌توان به سابقه دیرینه برنامه‌ریزی فضایی در آلمان مربوط دانست (Cowan, 2005: 15).

این نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مذکور دارای تحقیقات علمی قوی و تأثیرگذاری در این زمینه هستند و روابط همکاری و تعامل علمی در مقیاس گسترده بین پژوهشگران مختلف وجود دارد. دانشگاه سنگاپور نیز به‌عنوان تنها مؤسسه آسیایی حاضر در این شکل، مقام نهم این فهرست را اشغال کرده است؛ این در شرایطی است که چالش یا بحران‌های مرتبط با مفهوم فرامحلی‌گرایی و ضرورت مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی در این منطقه بسیار بیشتر و حادث‌تر از اروپا، آمریکا و استرالیا است. بدیهی است که تغییر رویکرد به سمت مقوله فرامحلی‌گرایی در مدیریت مکان و فضا در آسیا و به‌ویژه خاورمیانه در فرایند توسعه پایدار و متوازن حیاتی به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است که کشور ما نیز هم‌باوجود پیشینه بیش از هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه (آقاسی زاده و غلامی نتاج، ۱۳۹۹: ۱)، در موضوع روابط فرامحلی، فعالیت‌های علمی و انتشاراتی چندانی نداشته است؛ هرچند برخی محققان جغرافیای سیاسی به‌صورت مبهم و تلویحی مفاهیم مرتبط با این حوزه را به کار برده‌اند، برای نمونه، کاویانی (۱۳۹۴) معتقد است که بازقلمروخواهی، ناظر بر باز ساخت مکان یا قلمرو، هم‌زمان با روند قلمروزدایی است و فرایندهای بازقلمروآگاهی، نشانه‌گذاری و کارکرد مرزها را تغییر می‌دهند و عرصه جدیدی از قدرت ایجاد می‌کنند؛ لذا

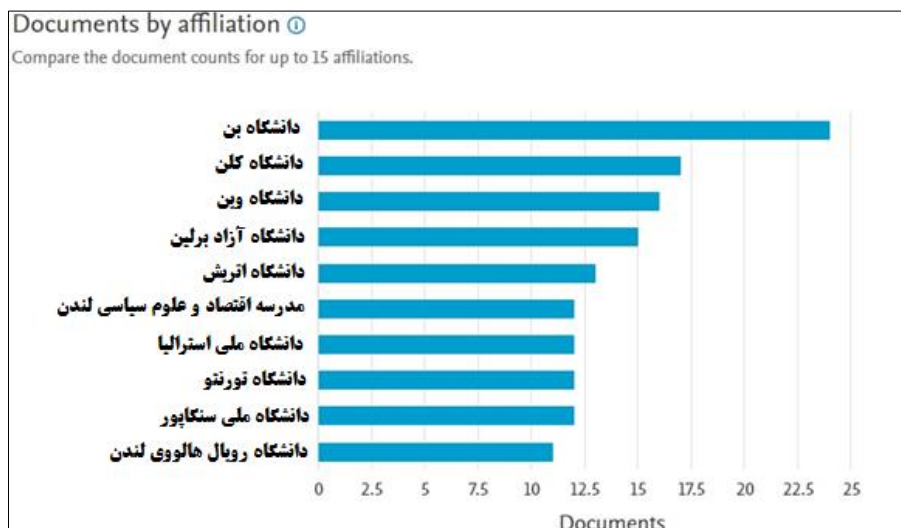
1- P.Sakdapolrak

2- M. Steinbrink

3- C. Greiner

4- H. Sterly

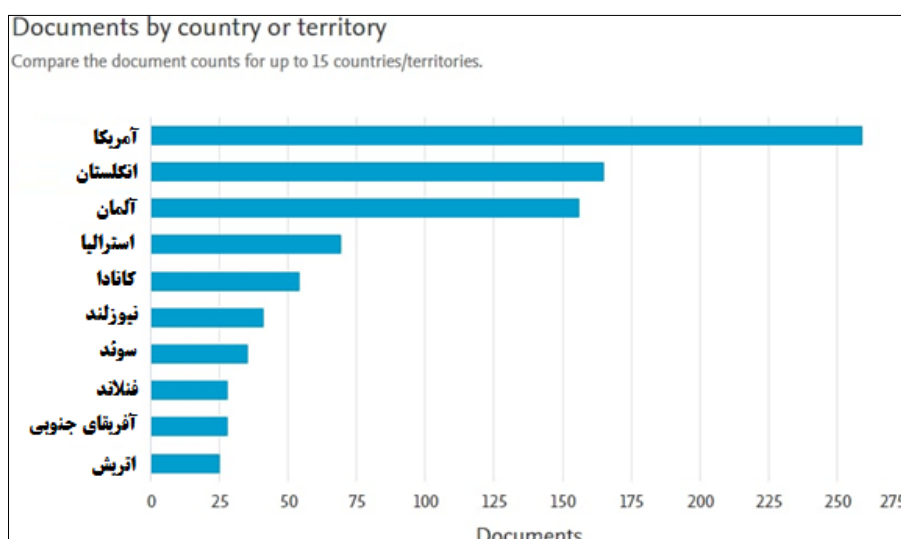
بسیاری از تحولاتی که در شهرها و روستاهای یک ناحیه پدید می‌آید، نتیجه میزان و چگونگی تعاملاتی است که بین این فضاها وجود دارد (طالشی و همکاران، ۱۳۹۷).



شکل ۵. توزیع مرکزهای برتر پژوهشی حوزه فرامحلی‌گرایی بر پایه شمار اثر، (اسکوپوس، ۲۰۲۲)

کشورهای برتر فعال در پژوهش‌های فرامحلی‌گرایی

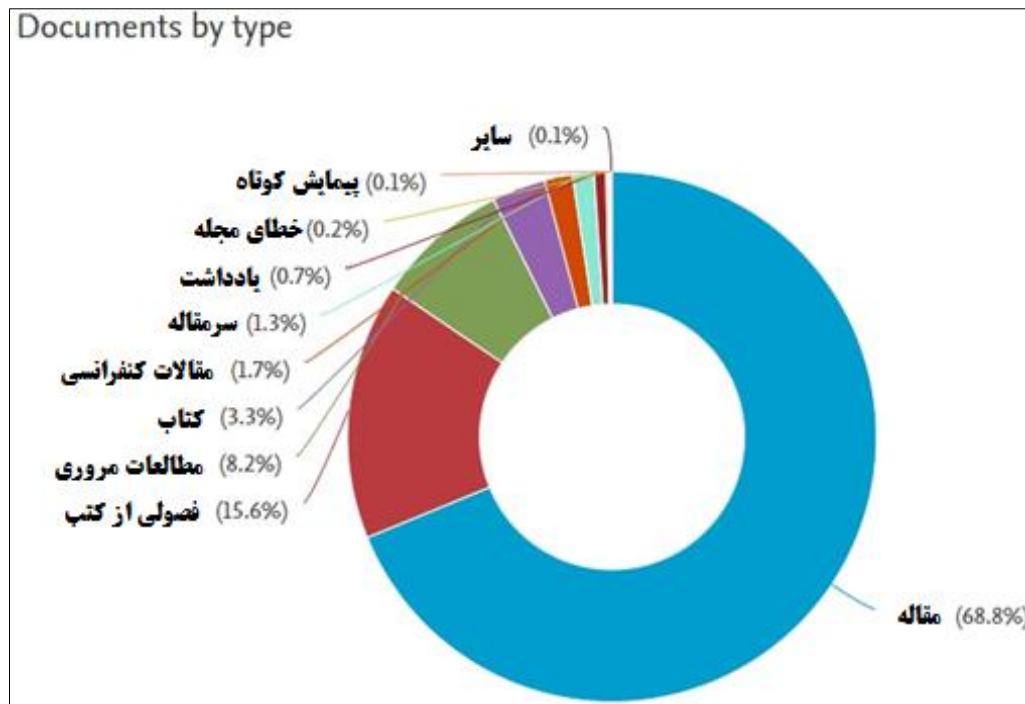
همانند شکل پیشین، بررسی وضعیت پژوهش‌های حوزه روابط فرامحلی حتی در سطح کشورها نیز آشکار می‌سازد که کشورهای با چالش بیشتر در این زمینه، کمتر به این موضوع پرداخته‌اند؛ درحالی که کشورهای توسعه‌یافته به توسعه تفکر و رویکرد فرامحلی‌گرایی بیشتر توجه کرده‌اند. داده‌های استخراج شده از پایگاه اسکوپوس نشان داد که آمریکا، انگلیس، آلمان، استرالیا و کانادا بیشترین اسناد علمی مرتبط با فرامحلی‌گرایی را در سال‌های اخیر منتشر کرده‌اند. همان گونه که شکل ۶ نشان می‌دهد در میان ده کشور برتر در حوزه انتشارات پژوهش‌های فرامحلی‌گرایی، کشورهای آفریقای جنوبی و چین رتبه‌های آخر را به خود اختصاص داده‌اند و سایر کشورهای آسیایی در انتهای جدول جای گرفته‌اند. درعین حال، علی‌رغم ضرورت توجه خاص و کاربردی به مطالعات فرامحلی‌گرایی در کشورهای آسیایی، در این کشورها مطالعات چندانی صورت نگرفته است، هرچند که توجه به یافته‌های حوزه فرامحلی‌گرایی در کشورهای آسیایی به‌ویژه خاورمیانه به‌منظور استفاده در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و فضایی ضرورت بیشتری دارد.



شکل ۶. توزیع کشورهای برتر نشر اسناد علمی مرتبط با حوزه فرامحلی‌گرایی بر پایه شمار اثر (اسکوپوس، ۲۰۲۲)

پراکنش انواع اسناد علمی مرتبط با فرامحلی گرای

شکل ۷ نشان می‌دهد که حدود ۷۰٪ از انتشارات حوزه روابط فرامحلی به صورت مقاله بوده و پس از آن انتشارات در قالب بخش‌هایی از کتب حدود ۱۶٪ از اسناد منتشر شده در فرامحلی گرای را به خود اختصاص داده است. این خود دال بر این نکته است که پژوهش‌های فرامحلی گرای در مرحله‌های اولیه رشد و نمو خود بوده و لازم است در آینده تلاش‌های بیشتری در زمینه شناسایی ابعاد مختلف فرامحلی انجام شود.

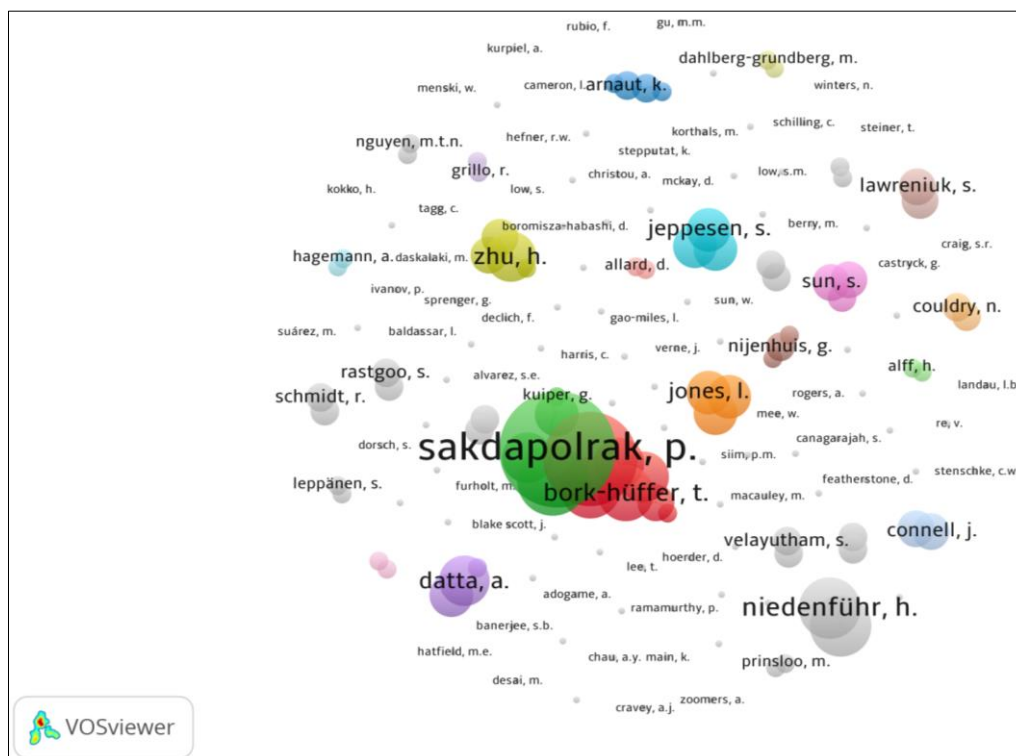


شکل ۷. توزیع اسناد علمی مرتبط با حوزه فرامحلی گرای (مأخذ: اسکوپوس، ۲۰۲۲)

ضرورت ترسیم شبکه دانش فرامحلی گرای

در بازه زمانی تحقیق، از میان حدود ۱۳۶۴ نویسنده، ۱۷۸ نفر دست‌کم ۲ مقاله علمی در زمینه فرامحلی گرای منتشر کرده‌اند (شکل ۸). از این میان، تنها ۱۰۹ نفر از نویسندگان با یکدیگر همکاری در نگارش مقاله داشته‌اند. پس از محاسبه قوی‌ترین رابطه شکل زیر به عنوان کل شبکه همکاری نویسندگان حوزه فرامحلی گرای (دارای دست‌کم ۲ مقاله) ترسیم شد. بر مبنای الگوریتم‌های خوشه‌بندی نرم‌افزار، معرفی شده در ون Van & Waltman (۲۰۱۸) مشاهده می‌شود که ۱۳۲ خوشه در موضوع فرامحلی گرای، اسناد علمی متنوعی را منتشر کرده‌اند. همچنین این شکل نشان می‌دهد که نویسندگان بسیاری، به طور مستقل در این زمینه مقاله‌هایی را منتشر کرده‌اند؛ بنابراین، محققانی که برای اولین بار به این حوزه ورود می‌کنند؛ ممکن است نادانسته از مکتب فکری خاصی وارد موضوع تحقیق شود و یا این که به علت ناآشنایی با محققان برتر نتواند به چهارچوب فکری درستی در حیطه پژوهشی موردنظر دست پیدا کند.

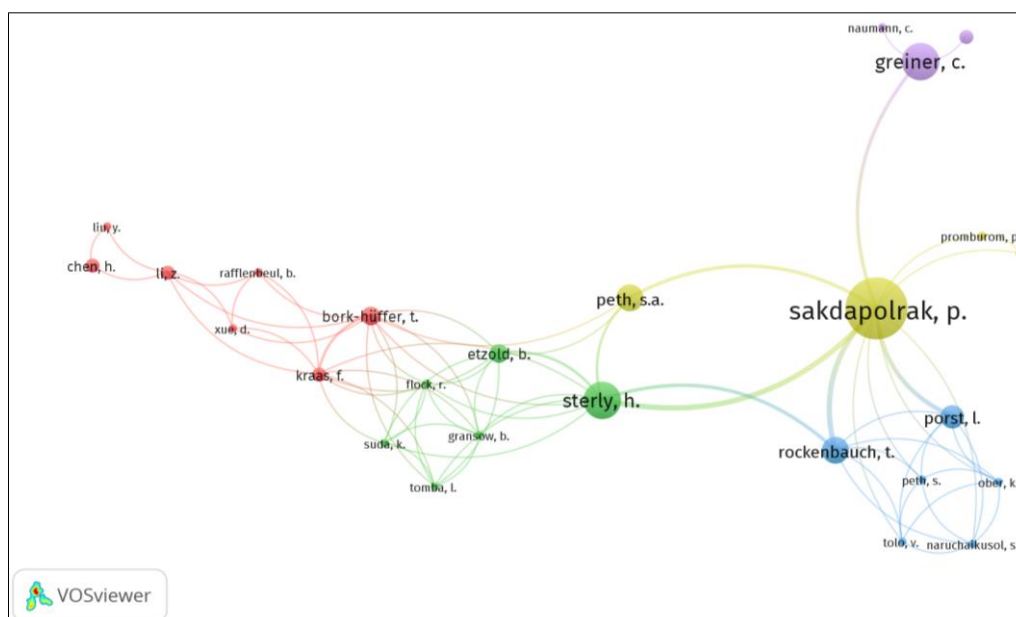
بر این مبنای، روش ترسیم شبکه دانش هر زمینه علمی می‌تواند به عنوان ابزار مناسبی برای شناسایی خوشه‌ها یا مکتب‌های فکری مناسب برای ورود به هر زمینه علمی پیشنهاد شود. از جمله این که پژوهشگران جغرافیای انسانی که در موضوع فرامحلی گرای، و یا هر موضوع علمی دیگری تحقیق خود را آغاز می‌کنند، لازم است در ابتدای امر به ترسیم شبکه دانشمندان موضوع مورد بررسی اقدام کنند، چرا که گاهی مشاهده می‌شود که وقت و منابع بسیاری از دانشجویان تحصیلات تکمیلی صرف مطالعه مطالبی می‌شود که باتوجه به شکل ۸ در حاشیه شکل جای می‌گیرند. باتوجه به حجم بسیار بالای انتشارات علمی در هر موضوع موردعلاقه دانشمند جغرافیای انسانی حرکت کردن در دریای علم بدون استفاده از نقشه راهنما ممکن است باعث هدر رفتن منابع حدود چنین پژوهشگرانی شود.



شکل ۸. شبکه پژوهشگران حوزه فرامحلی‌گرایی

نگاشت شبکه علمی دانشمندان برتر حوزه فرامحلی‌گرایی بر اساس بالاترین ارجاعات

برای نگاشت بهتر شبکه پژوهشگران حوزه فرامحلی‌گرایی، دو درصد دانشمندان برتر از کل جامعه دانشمندان دارای پیوند و ارجاع پژوهشی شناسایی می‌شوند. در ادامه با استفاده از نرم افزار، شبکه نویسندگانی که با یکدیگر همکاری علمی داشتند، ترسیم شد (شکل ۹). همان طور که ملاحظه می‌شود همه دانشمندان حوزه در پنج خوشه قرار داده شده‌اند. گره نمایانگر شمار انتشارات و پیوند نشان‌دهنده همکاری در نگارش مقاله‌های علمی است. فاصله خوشه‌ها از یکدیگر بیانگر میزان دوری یا نزدیکی خوشه‌ها به یکدیگر از نظر همکاری‌ها و اشتراک‌های علمی است.

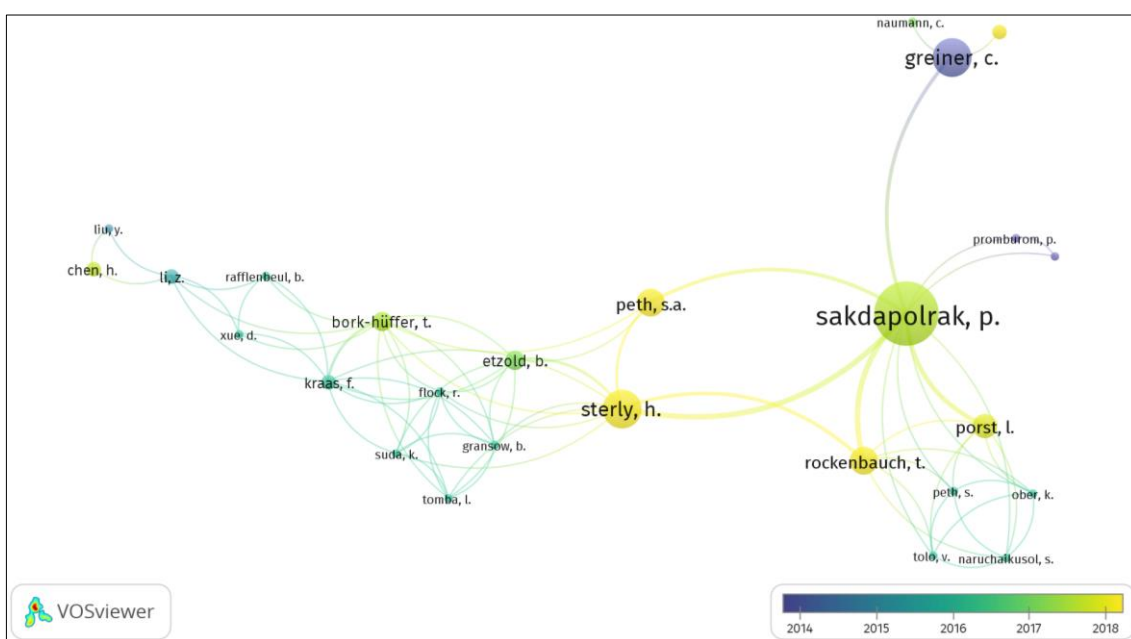


شکل ۹. شبکه همکاری‌های علمی دو درصد دانشمندان برتر حوزه فرامحلی‌گرایی

همان گونه که در شکل فوق مشاهده می‌شود جغرافی دانان اروپایی شاخص نظیر، ساکداپلارک در خوشه زردرنگ و گرینر در خوشه بنفش و استرلی در خوشه سبز قرار گرفته‌اند و حجم مقالات و روابط پژوهشی آنان با اعضای شبکه نویسندگان قابل تأمل است.

نمایش شبکه همکاری‌های علمی دانشمندان برتر حوزه فرامحلی گرایی در گذر زمان

نمایش نقشه شبکه همکاری‌های علمی پژوهشگران برتر، بر مبنای شمار ارجاع‌های مقاله‌های علمی ایشان در بازه زمانی چهارساله، دگرگونی‌های این موضوع را به ارائه می‌دهد (شکل ۱۰). از شکل زیر نیز چنین استنباط می‌گردد که ساکداپلارک آلمانی به‌مثابه هسته مرکزی در خوشه زردرنگ، جدیدترین پژوهش‌های فرامحلی و همکاری‌های علمی را از سال ۲۰۱۶ تاکنون انجام داده و در پژوهش‌های متأخرتری مشارکت داشته است. از سال ۲۰۱۴ به بعد نیز گرینر در خوشه بنفش و استرلی در خوشه سبز مرکزیت همکاری‌های پژوهشی را در گروه خود برعهده داشته‌اند و حجم مقالات و روابط پژوهشی آنان با اعضای شبکه نویسندگان قابل تأمل است.



شکل ۱۰. شبکه همکاری علمی دانشمندان برتر حوزه فرامحلی گرایی در گذر زمان

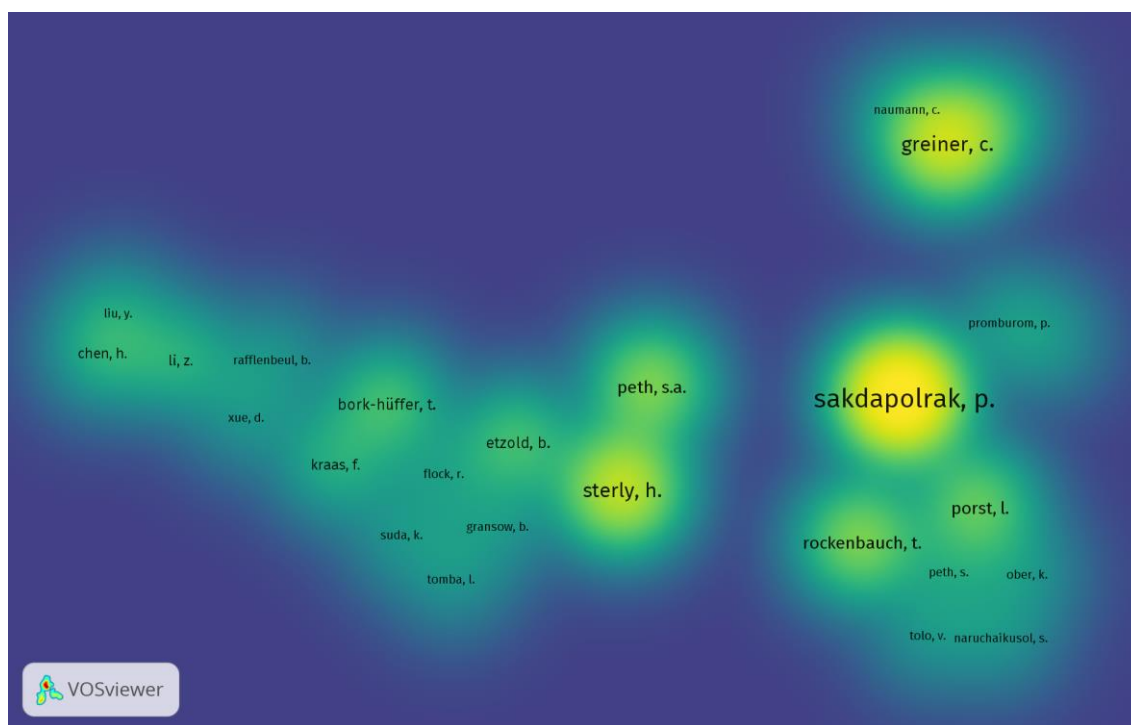
نگاشت تراکم شبکه علمی دانشمندان برتر فرامحلی گرایی بر مبنای بالاترین ارجاع‌ها

بررسی مشخصات، پیشینه پژوهشگری و وابستگی سازمانی اخیر دانشمندان برتر حوزه فرامحلی گرایی نیز در جدول ۲ بیانگر آن است که کشورهای آلمان، اتریش، انگلستان و آفریقای جنوبی پیشتاز این حوزه بوده‌اند. لازم به ذکر است که غالب پژوهشگران مذکور طی سال‌های گذشته در دانشگاه‌های مختلف نیز کرسی داشته و جابه‌جا شده یا همکاری علمی داشته‌اند. جدول ذیل ضرورت کنشگری تحقیقاتی بیشتر و ورود سایر دانشگاه‌ها از جمله پژوهشگران کشورهای آسیایی را به حوزه مطالعات فرامحلی گرایی آشکار می‌سازد.

شکل ۱۱ نیز تراکم و چگالی شبکه همکاری‌های پژوهشگران برتر حوزه روابط فرامحلی را در سطح جهان نشان می‌دهد. رنگ روشن به معنی تراکم بیشتر و رنگ تیره به معنی تراکم کمتر است. به نظر می‌رسد بیشترین همکاری‌ها و ارجاع‌های علمی مربوط می‌شود به خوشه‌های آقایان ساکداپولارک، گرینر و استرلی که در قسمت بالا سمت راست و مرکز شکل دیده می‌شوند. به عبارت دیگر این مکتب فکری در فرامحلی گرایی بیشتر مورد اقبال جامعه بین‌المللی پژوهشگران حوزه مذکور قرار گرفته است؛ و لذا اعتبار علمی بیشتری را دارا می‌باشد.

جدول ۲. مشخصات، پیشینه پژوهشگری و وابستگی سازمانی اخیر دانشمندان برتر فرامحلی گرای (اسکوپوس، ۲۰۲۲)

نویسندگان برتر	تعداد انتشارات در حوزه فرامحلی	نام مؤسسه / دانشگاه کنونی	کشور	تعداد استناد علمی	h-index	کل ارجاعات	تعداد کل همکاران
Sakdapolrak, P.	۱۶	دانشگاه وین	اتریش	۴۰	۱۴	۹۸۰	۹۰
Steinbrink, M.	۹	دانشگاه پاساو	آفریقای جنوبی	۲۴	۷	۳۲۶	۱۸
Greiner, C.	۸	دانشگاه کلن	آلمان	۲۳	۱۴	۶۵۵	۲۲
Sterly, H.	۸	دانشگاه وین	اتریش	۱۹	۶	۳۰۵	۱۱۰
Datta, A.	۷	دانشگاه کالج سلطنتی لندن	انگلستان	۵۰	۲۰	۱۶۲۱	۳۰
Niedenführ, H.	۷	دانشگاه اسنابروک	آلمان	۷	۱	۳	۱
Stenschke, C.W.	۷	دانشگاه آفریقای جنوبی	آفریقای جنوبی	۵۴	۵	۶۱	۰
Brickell, K.	۶	دانشگاه کیل	انگلستان	۵۹	۱۸	۱۴۷۲	۴۰
Verne, J.	۶	دانشگاه گوتنبرگ	آلمان	۱۹	۴	۵۹	۹
McKay, D.	۵	دانشگاه کیل	انگلستان	۳۳	۱۴	۱۰۸۴	۲۲



شکل ۱۱. نگاشت تراکم شبکه پژوهشگران فرامحلی گرای از لحاظ شمار ارجاعها

بحث

مسئله است که جغرافیدان، همیشه به دنبال تعیین مقیاس و اندازه پدیده‌ها بوده است و جغرافیا همهٔ عامل‌ها و پدیده‌ها را در قالب مقیاس و حدود، مطرح کرده و می‌کند؛ لذا ناچار است که همیشه پدیدهٔ مورد مطالعه خود را در چارچوب مقیاس معینی مورد ارزیابی و بررسی قرار دهد (فنی، ۱۳۹۶). یافته‌های این پژوهش با بررسی ۱۱۳۵ مقاله در حوزه فرامحلی گرای با ۱۳۶۴ نویسنده نشان داد که کشورهای آمریکا، انگلستان و آلمان بیشترین انتشارها را در این زمینه داشته‌اند و نویسندگانی چون سکداپولارک، استینبرینک، گرینر و لسترلی دارای بالاترین ارجاع‌ها بوده‌اند.

خوشه فکری سکداپولارک، بیشترین تراکم شبکه را داشت. کشورهای آسیایی در پایان فهرست بودند. به‌طور کلی روند رشد اسناد علمی مرتبط با فرامحلی گرایی در بازه زمانی چهل سال اخیر، سه مرحله تحقیقات اولیه، توسعه سریع و یک مرحله نسبتاً پایدار را تجربه نموده است. این در حالی است باگذشت بیش از هفتاد سال از آغاز برنامه‌ریزی رسمی در ایران (آقاسی زاده و غلامی نتاج، ۱۳۹۹: ۱)، اصطلاح «برنامه‌ریزی» همچنان به صورتی مطلق، مجرد، تخصصی، پوزیتیویستی، غیر قابل خدشه و بی‌نیاز از مباحث نظری به کار می‌رود و حال آنکه بررسی تحولات معرفتی این حوزه به‌ویژه در آمریکا و اروپا از ظهور حوزه معرفتی میان‌رشته‌ای و بسیار پویایی در سال‌های اخیر حکایت دارد (بادامچی، ۱۴۰۱).

چنانچه به‌زعم مرادنژاد و بردی (۱۳۹۵) رویکرد غالب در مجله‌های علوم جغرافیایی ایران، رویکردی پوزیتیویستی بوده و مطالعات پایه و نظری بسیار اندک است. درعین حال ناهمگونی و بی‌عدالتی فضایی در تحقیقات جغرافیای کشور بسیار محسوس است و تنها ده درصد از مطالعات، دربردارنده مطالعات ملی است و بقیه بیشتر به سطح محلی توجه کرده‌اند (مرادنژاد و بردی، ۱۳۹۵)، از طرفی کارشناسان و سیاستگذاران پیوسته بر نقش بالقوه روابط و پیوندها در تعدیل نابرابری‌های موجود بین محیط‌های روستایی و شهری تأکید دارند، اما در ایران هنوز طرح جدی مباحث علمی مرتبط با این زمینه‌ها به سبب ساده‌انگاری‌های مرسوم مغفول مانده است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱). این در حالی است که بسیاری از سازه‌های حوزه دانش جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی فضایی نظیر جریان‌های افراد، سرمایه‌ها، کالاها، اطلاعات، فناوری‌ها و نوآوری‌ها می‌توانند ماهیت، ساختار و کارکردی فرامحلی داشته باشد (Rockenbauch et al., 2019).

از طرفی تحلیل هم‌رخدادی واژگان رویکرد اکتشافی، پنج خوشه پژوهشی در مطالعات فرامحلی گرایی مرتبط با پیوندها و جریان‌های افراد، سرمایه‌ها، کالاها، اطلاعات، فناوری‌ها و نوآوری‌ها را آشکار ساخت. درعین حال می‌توان گفت پیوند فرامحلی گرایی با حوزه‌هایی نظیر مهاجرت، روابط فرامحلی، جابه‌جایی، تحرک، جهانی‌شدن و روابط شهر و روستا و ... می‌تواند عناوین جذاب و پرتیرا را برای انجام پژوهش‌های مشابه ایجاد نماید. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان داد که در پژوهش‌های جغرافیای انسانی به فرامحلی گرایی از ابعاد مختلف و در زیست‌بوم‌های متنوع و مرتبطی نگریسته شده است به‌گونه‌ای که در سطوح مختلفی از مقیاس خرد تا بین‌المللی و فضاهای شهری تا روستایی را دربرگرفته است.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل شبکه و زیست‌بوم پژوهش‌های بدیع نظیر حوزه فرامحلی گرایی به‌مثابه تحولی معرفتی در جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی فضایی، به طور عینی روندها و نوبت‌های پارادایمی دانش این حوزه را آشکار نموده و پیشرفت‌های تحقیقاتی در زمینه فرامحلی گرایی را نمایان می‌نماید، به‌گونه‌ای که یافته‌ها می‌تواند مرجعی برای ترکیب چارچوب تحقیق‌ها و گسترش ایده‌ها و روش‌های جدید در این زمینه ارائه دهد فرامحلی گرایی به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای، چندوجهی و زمینه‌گرا، دارای ابعاد اجتماعی - اقتصادی، کالبدی - فضایی و سیاسی - مدیریتی بوده که در شرایط کنونی پژوهشی کشور، نیازمند پژوهش‌های آمیخته با محوریت موضوعات مهم حوزه جغرافیای انسانی برای مدل‌سازی مفهومی، و مدل‌سازی سنجش روابط فرامحلی (در تبیین چیستی)، شناسایی و بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر فرامحلی گرایی از جمله ساختار و پیکره‌بندی منطقه‌ای (در تبیین چرایی)، و همچنین شناسایی و بررسی سیاست‌ها و گرایش‌های اثرگذار بر فرامحلی گرایی (در تبیین چگونگی) با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن می‌باشد.

در این صورت می‌توان با دستیابی به درک درستی از این مفهوم، در مباحث برنامه‌ریزی منطقه‌ای دقیق‌تر به بررسی الگوهای فضایی آن پرداخت. در نهایت می‌توان گفت نقشه دانش فرامحلی استخراج شده در این پژوهش می‌تواند برای دستیابی به یک دیدگاه کل‌نگر و یکپارچه، در مطالعات آمایشی، تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تدوین اسناد توسعه شهرستان‌ها و ... مدنظر محققان قرار گیرد تا سیاست‌های فضایی توسعه (بدردی و همکاران، ۱۳۹۸) با واقعیت‌های روابط فرامحلی پیوند زده شود و با تعدیل نابرابری‌های ناشی از جریان‌ها و پیوندهای نامتعارف فرامحلی، توسعه پایدار و متوازن را برای اقصی نقاط کشور به ارمغان آورد.

سیاسگزاری

این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۹۹۰۳۰۲۵۰» انجام شده است.

منابع

- آذرباد، نسرین (۱۳۹۲). روش‌های نوین ناحیه‌بندی در فضاهای جغرافیایی. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳ (۱۲)، ۹۳-۱۰۳.
- آقاسی‌زاده، فتح‌الله؛ غلامی‌نتاج، سعید (۱۳۹۹). هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران: آسیب‌ها و چالش‌ها، انتشارات مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری. چاپ اول.
- افراخته، حسن (۱۳۹۱). اقتصاد فضا و توسعه روستایی (مورد: ناحیه شفت). اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱ (۱)، ۳۹-۵۴.
- باب الحوائجی، فهمیه؛ زارعی، عاطفه؛ نشاط، نرگس؛ حریری، نجلا (۱۳۹۳). نقشه دانش علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر اساس مقوله‌بندی موضوعی اصلی و فرعی. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات (مجله علوم تربیتی و روانشناسی)، ۶ (۱)، ۱-۲۵.
- بادامچی، محمدحسین (۱۴۰۱). برنامه‌ریزی بدون نظریه؛ صدای شنیده نشده فروپاشی برنامه‌ریزی تکنوکراتیک در ایران، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱ (۱)، ۹-۱۰.
- بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا؛ خدادادی، پروین (۱۳۹۸). تحلیل محتوای کیفی سیاست‌های فضایی توسعه روستایی کشور پس از انقلاب اسلامی. برنامه‌ریزی فضایی، ۹ (۱)، ۱-۲۴.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۶). سخن سردبیر. جغرافیا، ۱۵ (دوره جدید) (۵۲)، ۰-۰.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۷). نقد علمی و «نقد» پوشش ساختاری - کارکردی. جغرافیا، ۱۶ (۵۸)، ۵-۲۰.
- سعیدی، عباس؛ عزیزپور، فرهاد؛ حسینی حاصل، صدیقه؛ خلیفه، ابراهیم؛ ریکا، جهانبخش (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی - شهری مورد: نواحی مرودشت (فارس) و کوهدشت (لرستان). جغرافیا، ۱۰ (۳۳)، ۷-۲۶.
- صادقی، مجتبی؛ جوان، جعفر؛ رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۴). فضای جغرافیایی چیست؟ درنگی بر سرشت فضای جغرافیایی، از چشم‌انداز پدیدارشناسی هرمنوتیک. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۵ (۱۹)، ۱۲-۲۸.
- طالشی، مصطفی؛ خداپناه، کیومرث؛ آقایی‌هیر، محسن (۱۳۹۷). تحلیل پیوند فضایی عملکردی کانون‌های گردشگری (مطالعه موردی: ناحیه اردبیل). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱ (۳)، ۱۹۵-۲۰۵.
- علیپور حافظی، مهدی؛ رضانی، هادی؛ مومنی، عصمت (۱۳۹۶). ترسیم نقشه دانش حوزه کتابخانه‌های دیجیتالی در ایران: تحلیل هم‌رخدادی واژگان. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۳ (۲)، ۴۵۳-۴۸۸.
- فنی، زهره (۱۳۹۲). فضا، مقیاس و جهانی‌شدن با تحلیل تئوری شبکه کنشگران (ANT). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۴ (۱۲)، ۹۳-۱۰۶.
- کاوایی راد، مراد (۱۳۹۴). رویکردی نو در بازتعریف جغرافیای سیاسی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷ (۳)، ۴۳-۵۵۶.
- مرادنژاد، آنا؛ بردی، رحیم (۱۳۹۵). فراتحلیل مقاله‌های علمی - پژوهشی در مجله‌های جغرافیایی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ (نشریه‌های مطالعه شده: «جغرافیا و توسعه»، «تحقیقات جغرافیایی» و «فضای جغرافیایی»). فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی ۲ (۲۲)، ۷۸-۵۹.
- منصوریان، حسین؛ رضوانی، محمدرضا؛ سعدی، سیما (۱۳۹۶). تحلیل فضایی جمعیت شاغل شناور روستایی در مناطق شهری کشور. پژوهش‌های روستایی، ۱ (۴)، ۶۲۴-۶۳۴.
- نویدی، فاطمه؛ میرطاهری، سیده‌لیلا؛ حسن‌زاده، محمد (۱۳۹۶). روش‌های تحلیل داده و پیوندها در شبکه‌های اجتماعی. فصلنامه تعامل انسان و اطلاعات، ۴ (۲)، ۵۸-۷۰.

References

- Afrakhteh, H. (2012). Space Economics and Rural Development (Case: Shaft Area). *Space Economy and Rural Development*, 1 (1), 39-54 (In Persian).
- Aghasizadeh, F., & Gholami - Conclusion, S. (2019). Seventy Years of Development Planning in Iran: Injuries and Challenges, *Publications of the Center for Development and Futurism Research*. First Edition (In Persian).
- Alipour-Hafezi, M., Ramezani, H., Momeni, E. (2018). Knowledge map of digital libraries in Iran: a

- co-word analysis. *Iranian Journal of Information processing and Management*. 33 (2), 453-488 (In Persian).
- Annamoradnejad, R., & Rahim., B. (2016). Meta-analysis of the scientific articles in Iranian Geographical during 2009- 2013 (Case Study: Journals of Geography and Development, Geographical Research, geographical space). *Spatial Planning*, 6 (3), 59-78 (In Persian).
- Azarbad, N.. (2013). New methods of zoning in geographical spaces. *Journal of Regional Planning*, 3 (12), 93-102 (In Persian).
- Babalhavaeji, F., Zarei, A., Neshat, N., & Hariri, N. (2014). Mapping of Knowledge and Information Science based on Main and Sub-main Subject Categorization. *Journal of Studies in Library and Information Science*, 6 (13), 1-24 (In Persian).
- Badamchi, M. (2022). Planning without theory; The Unheard Voice of the Collapse of Technocratic Planning in Iran. *Public Policy*, 8 (1), 9-10 (In Persian).
- Badri, S. A., Rezvani, M., & Khodadadi, P. (2019). Analyzing the Qualitative Content of Spatial Policies of Rural Development in Iran's Post Islamic Revolution. *Spatial Planning*, 9 (1), 1-24 (In Persian).
- Brickell, K., & Datta, A. (2011a). Introduction: translocal geographies. In: Brickell, K. and Datta, A. (eds) *Translocal geographies: spaces, places, connections*. Farnham: Ashgate, 3-20.
- Brickell, K., & Datta, A. (eds) (2011b). *Translocal geographies. Spaces, places, connections*. Farnham: Ashgate.
- Castree, N. (2004). Differential geographies: place, indigenous rights and 'local' resources. *Political Geography*. 23, 133-167.
- Conradson, D., & McKay, D. (2007). Translocal subjectivities: mobility, connection, emotion. *Mobilities* 2 (2), 167-174.
- Cowan, R., (2005), *The Dictionary of Urbanism*, Norfolk.
- Donthu, N., Kumar, S., & Pattnaik, D. (2020). Forty-five years of journal of business research: a bibliometric analysis. *Journal of Business Research*, 109, 1-14.
- Falagas, M. E., Pitsouni, E. I., Malietzis, G. A., & Pappas, G. (2008). Comparison of PubMed, Scopus, web of science, and Google scholar: strengths and weaknesses. *The Faseb journal*, 22 (2), 338-342.
- Fanni, Z. (2013). Space, Scale and Globalization: Analysis of the Actor-Network Theory (ANT). *Strategic Studies of public policy*, 4 (12), 93-106 (In Persian).
- Featherstone, D. (2011). *On assemblage and articulation*. *Area*, 43 (2), 139-142.
- Greiner, C., & Sakdapolrak, P. (2013). Translocality: Concepts, applications and emerging research perspectives. *Geography compass*, 7 (5), 373-384.
- Greiner, C., & Sakdapolrak, P. (2016). Migration, environment and inequality: Perspectives of a political ecology of translocal relations. In *Environmental migration and social inequality* (pp. 151-163). Springer, Cham.
- Hedberg, C., & do Carmo, R. M. (eds) (2012). *Translocal ruralism: mobility and connectivity in European rural spaces*. Dordrecht: Springer.
- Kavianirad, M. (2015). A New Approach to Redefinition of Political Geography. *Human Geography Research*, 47 (3), 543-556 (In Persian).
- Lange, B., & Büttner K. (2010). Spatialization patterns of translocal knowledge networks: conceptual understandings and empirical evidences of Erlangen and Frankfurt/Oder. *European Planning Studies* 18 (6), 989-1018.
- Long, N. (2008). *Translocal livelihoods, networks of family and community, and remittances in Central Peru*. In: IOM and SSRC (eds) Geneva, New York: International Organization for Migration and Social Science Research Council, 37-68.
- Ma, E. K.-w. (2002). Translocal spatiality. *International Journal of Cultural Studies*, 5, 131-152.
- Mansourian, H., Rezvani, M., & Saadi, S. (2017). Spatial Analysis of Rural Floating Population Employed in Urban Areas. *Journal of Rural Research*, 8 (4), 621-634 (In Persian).
- Massey, D. (1999). *Power-geometries and the politics of space and time*. Hettner Lecture 1998, Department of Geography, University of Heidelberg.
- Navidi, F, Mirtaheeri, S. L., Hassanzadeh, M. (2017). *Data Analysis Methods in Social Networks*.

- Human Information Interaction*., 4 (2), 58-70 (In Persian).
- Porst, L., & Sakdapolrak, P. (2018). Advancing adaptation or producing precarity? The role of rural-urban migration and translocal embeddedness in navigating household resilience in Thailand. *Geoforum*, 97, 35-45.
- Rau, H. (2012). The ties that bind? Spatial (immobilities) and the transformation of rural-urban Connections. In: Hedberg, C. and Do Carmo, M. R. (eds) *Translocal ruralism mobility and connectivity in European rural spaces*. Heidelberg: Springer, pp. 35-55.
- Reetz, D. (2010). 'Alternate' globalities? On the cultures and formats of transnational Muslim networks from South Asia. In: Freitag, U. and Von Oppen, A. (eds) *Translocality: the study of globalising processes from a Southern Perspective*. Leiden: Brill, 293-334.
- Rockenbach, T., Sakdapolrak, P., & Sterly, H. (2019). Do translocal networks matter for agricultural innovation? A case study on advice sharing in small-scale farming communities in Northeast Thailand. *Agriculture and Human Values*, 36 (4), 685-702.
- Sadeghi, M., Javan, J., Rahnama, M. R. (2015). "What is The geographical space?" A thinking on the nature of the geographical space from the perspective of hermeneutic phenomenology. *Arid Regions Geographic Studies*, 5 (19), 12-28 (In Persian).
- Saeedi, A. (2017). Editor's note. *Geography*, 15 (New Era) (52), (In Persian).
- Saeedi, A. (2018). Scientific critique and "critique" of structural-functional dynamics. *Geography*, 16 (58), 5-20 (In Persian).
- Saidi, A, Azizpour, F., Hosseini Hassel, S., Khalifeh, E., & Rika, J. (2012). Comparative study of barriers to the formation of rural-urban links Case: Marvdasht (Fars) and Kuhdasht (Lorestan). *Geography*, 10 (33), 7-26 (In Persian).
- Sakdapolrak, P., Naruchaikusol, S., Ober, K., Peth, S., Porst, L., Rockenbach, T., & Tolo, V. (2016). Migration in a changing climate. Towards a translocal social resilience approach. *DIE ERDE-Journal of the Geographical Society of Berlin*, 147 (2), 81-94.
- Steinbrink, M. (2009). *Leben zwischen Stadt und Land. Migration, Translokalität und Verwundbarkeit in Südafrika*. Wiesbaden: VS Verlag für Sozialwissenschaften.
- Taleshi, M., Khodapanah, K., & Aghayari Hir, M. (2018). Analysis of Spatial-Functional Links of Tourism Centers, Case Study:-Ardebil District. *Geography (Regional Planning)*, 8 (3), 195-205 (In Persian).
- Van Eck N. J., & Waltman L. (2018) VOSviewer manual.
- Verne, J. (2012). *Living translocality. Space, culture and economy in contemporary Swahili trade*. Stuttgart: Franz Steiner Verlag.
- Wimmer, A., & Glick Schiller, N. (2002). Methodological nationalism and beyond: nation-state building, migration and the social sciences. *Global networks*, 2 (4), 301-334.
- Zoomers, A., & Westen, G. V. (2011). Introduction: translocal development, development corridors and development chains. *International Development Planning Review*, 33(4), 377-388.